مدیرمسئول: محمد فاضلی
سردبیر: جواد دلیری
تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ – روابط عمومی
نشانی: تهران خیابان خرمشهر – شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸–۱۵۸۷۵
امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
شرکت چاپ جام‌جم و بامشاد سبز تهران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

ایران
www.iran-newspaper.com

سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:
دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
۸۸۵۴۸۸۹۲–۵

میثاقنامه اخلاق روزنامه‌نگاران ایران:
www.ion.ir/news/19949.html

تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۲۱	۲۳	۱۶	۳۷	۳۷	۲۴	۲۶	۲۳
۹	۱۵	۳	۲۳	۲۳	۱۵	۱۱	۱۵

سخن روز

امام علی علیه‌السلام:

جَلیسُ الخَیرِ نِعمَةٌ، جَلیسُ الشَّرِّ نِقمَةٌ؛

همنشین خوب نعمت و همنشین بد، بلا و مصیبت است.

شرح آقاجمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم ج ۳، ص ۳۵۶، ح ۴۷۱۹ و ۴۷۲۰

نـــگاره



مهدی عزیزی

سبک جدید اصلاحات به روایت حاکمان ریاض!



به پاس یک عمر تلاش محمدرضا درویشی در سالروز تولدش

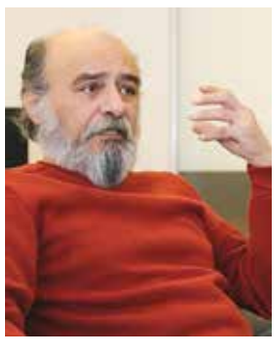
کاوشگر سازها و نواها

زادروز

محسن بوالحسنی
خبرنگار

ایران سرزمینی است پهناور با بوم و جغرافیایی گسترده و رنگارنگ که هر خطّه‌اش ساز و نوای خاص خود را دارد؛ ساز و نوایی که در سینه مردان و زنان این سرزمین از گذشته‌ای دیر و دور به میراث مانده و تا امروزها رسیده است. اغلب این صداها و نواها در مهجوری عمر می‌گذراندند و در پی دیده یا شنیده شدن هم نبودند؛ نوایی بودند از سر دلتنگی، عاشقی یا سینه‌ای سوخته که در دشتی، دمنی یا کویری زمزمه می‌شد یا سازی که به نغمه درمی‌آمد. امروز اما بخشی وسیع از آنها را می‌شناسیم و از زیر و بالای فرهنگ موسیقایی در جغرافیای نواحی اطلاع داریم. یک نفر عمرش را گذاشت تا این گوشه‌ها، نغمه‌ها و سازها را پیدا و ثبت و ضبط کند. البته پیش از او نیز کسانی بودند همچون ثمین باغچه بان که به کشف این صداهای نمور رفتند اما محمدرضا درویشی راه این پژوهش‌ها را ادامه داد و بیش از دو دهه سفر کرد و گوشه‌ها را زنده نگاه داشت. درویشی که امروز پا به ۶۳ سالگی گذاشته در سال ۱۳۵۷ از دانشکده هنرهای زیبای تهران فارغ‌التحصیل شد و راه و سبک استادش مرتضی حنانه را در موسیقی پیش گرفت. موسیقی مازندران اولین تکیه درویشی در شناخت و پژوهش در موسیقی نواحی بود و او بعد از فراغت از تحصیل به سمت آهنگسازی روی برخی از قطعات موسیقی محلی مناطق مختلف ایران، به خصوص مازندران رفت. حاصل این پژوهش‌ها برگزاری چندین جشنواره و همایش بود که مهمترین آنها جشنواره هفت اورنگ، آیینه و آواز، موسیقی حماسی (با همکاری واحد موسیقی حوزه هنری) و پنج دوره جشنواره موسیقی نواحی ایران در کرمان (با همکاری مرکز موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) بود.

درویشی اما یک کار بزرگ دیگر را هم تمام و کمال به نتیجه رساند. کتابی که در حافظه فرهنگ موسیقایی و سازشناسی ایران خواهد ماند و حاصل یک عمر تلاش این آهنگساز و پژوهشگر موسیقی است. «دایرةالمعارف سازهای ایران» کتابی مرجع برای اهل موسیقی و اهل تحقیق شده است و در کنار آثار موسیقایی که او در مقام آهنگساز از خود به جای گذاشته این کتاب پژوهشی نیز میوه‌ای جانبخش از درخت پربار محمدرضا درویشی است. او به مدد بیش از سه دهه فعالیت‌های پیگیر و خلاق در زمینه موسیقی ایرانی بویژه موسیقی نواحی به‌عنوان یک شاخصه هویت ملی میان کلیه اقوامی که طی قرن‌ها در این سرزمین زندگی می‌کرده‌اند، در تقویت روابط اجتماعی و وحدت ملی میهن خود هم تأثیری ملموس و برجسته‌ای داشته است.



به بهانه تجلیل از نصرالله افجه‌ای

خطاط یگانه

تجلیل

ناصر نصیری
مدرس دانشگاه

خوشنویسی وقتی از بند قواعد سنتی و کلاسیک خود آزاد می‌شود، تازه عطر و طعم هنر به خود می‌گیرد. یعنی از یک وضعیت نیمه صنعتی و خلاقه وابسته به مهارت کنترلی، خارج و به حال و هوای خلاقیت نزدیک می‌شود و درست در همین لحظه است که یک زبان معاصر به خود می‌گیرد. خوشنویسی ایرانی در کمال نگارش خود البته هنر ناب شرقی بی‌نقصی است که محتوای مفاهیم شرقی را در زیباترین شکل حفظ کرده و منتقل می‌کند؛ لیکن اگر بخواهیم ظرفیت بصری آن را مد نظر قرار دهیم دیگر آن کارکرد جذابیتی و عملکرد آنی را ندارد، برخی از استادان هنر خوشنویسی در یک همزمانی با اختلاف کم با تکیه بر مهارت‌های خود در زمینه هنرهای تجسمی دیگر سعی کردند فضا و رفتار جدیدی را از اندام و زبان خط استخراج کنند و به هنرمعاصر ایرانی هوای تازه ببخشند، نقاشیخط در میانه این تلاش‌ها ابداع شد. به جرأت می‌توان گفت، نصرالله افجه‌ای حق بزرگی گردن نقاشیخط دارد. ترکیب‌های بسیار قوی و زیبا در آثار نقاشیخط استاد افجه‌ای دیگر نه آن فرم‌های کلاسیک خوشنویسی است و نه بر تسلط حس نقاشی اجازه می‌دهد. در یک استقلال کامل هنری نو را به دنیا می‌آورد که هویتی ریشه‌دار اما مدرن دارد. نصرالله افجه‌ای در ابتدا حرکت بر مسیر ایجاد حجم در نگارش خط را از استاد خود کیمیا قلم زنجانی - استاد خط ناخنی - وام می‌گیرد ولی در ادامه با وارد کردن متریال‌های مختلف و ایجاد بعدهای جدی‌تر فضای بسیار متفاوت‌تر از دو بعد را به هنر خوشنویسی ایران وارد می‌کند و در ادامه با اضافه کردن رنگ‌های ایرانی روی فرم خوشنویسی معنای تصویری بیشتری را به اثر الصاق می‌کند همچنان که تلاش می‌کند هویت اصیل خط در فضای اثر تمام و کمال حفظ شود. در آثار نصرالله افجه‌ای حضور نقاشی و گرافیک شاید بتوان گفت هم عرض است یعنی همانقدر که ارائه‌های شعرگونه نقاشی زبان جذابی به خط می‌دهند صراحت و ایجاز گرافیک نیز در ترکیب‌بندی‌ها و شکل‌گیری پیکره کلی اثر ورود می‌کند و مخاطب را در مواجهه با فرم‌هایی مدرن قرار می‌دهد. از ویژگی‌های بارز اغلب آثار استاد افجه‌ای نقش بزرگ اتفاق است در ترکیب‌بندی کلی اثر. یعنی در آثار استاد افجه‌ای ما با حالت‌های غالب فرم خط یا نقاشی یا گرافیک روبه‌رو نیستیم اصل ترکیب‌بندی شکسته است و رفتاری که در مسیرهای چشم می‌افتد از یک آزادی آرام و شرقی برخوردار است. شاید بتوان مصداق دقیق این حرف استاد قباد شیوا را که هنر شرق غمگین نیست بلکه متفکر است در آثار استاد افجه‌ای دید. جهانی پر از معنای عرفانی عاشقانه و شعورمند در فرم‌هایی ارگانیک و اصیل با لباسی شیرین و شریف از رنگ‌های منتشر در فرهنگ ایرانی. نصرالله افجه‌ای جزو معدود کسانی است در هنر که توانسته است حال خط را با نقاشی خوب کند و معنی گریزان نقاشی را در همنشینی با خط رساتر و قابل دریافت‌تر کند.

*** ساعت ۱۷ روز جمعه بیست و هفتم مهرماه در فرهنگسرای ارسباران، نصرالله افجه‌ای تجلیل می‌شود. در این برنامه همچنین از غلامحسین ابراهیمی دینانی تجلیل خواهد شد و سردیس این استاد پیشکسوت فلسفه رونمایی می‌شود.**



عکس: نیان

درسوگ دومین خورشید هدایت

آیین

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

به نقلی هفتم صفر مصادف با شهادت مظلومانه امام حسن مجتبی(ع) است. روح مقدسی که نظیر او در گذشته و آینده در بردباری، بخشندگی، دانش و دوستی و مهربانی بر افق حیات ندرخشیده است. امام حسن مجتبی(ع) به مصداق یکی از آیات وحی، نشانه هدایت الهی بود که در تبیین دین الهی و عرضه جزئیات احکام قرآن و نیز در تفسیر قرآن کریم و تشریح اهداف رسول خدا جلوه گرشد و وظیفه حفظ و حراست از دین و احکام الهی از هرگونه تحریف و تغییر و تبدیل را برعهده گرفت.

به گواهی تاریخ، دشمنی شام با اهل بیت رسول خدا(ص) حتی پس از پیمان نامه صلح، میان امام حسن مجتبی(ع) و معاویه پایان نپذیرفت، بلکه همچنان در بسترسیاسی - تبلیغی استمراریافت. امام حسن(ع) بعد از قرارداد صلح، مدینه را که هنوزام‌القرای معنوی اسلام و یادآور خاطرات دوران رسول خدا(ص) بود به عنوان محل زندگی برگزید وخانه‌اش پناهگاه ستمدیدگان شد. آن حضرت نیز اوقات شریف خود را به برآوردن نیاز مردم و رفع ستم و بیداد از آنان مصروف می‌داشت. از این رو هرکس ازسوی دستگاه خلافت مورد ستم قرار می‌گرفت به آن حضرت پناه آورده و امام حسن(ع) نیز او را پناه می‌داد. پشتوانه این جایگاه هم هیبت و حشمت آن حضرت(ع) و نسبتش با رسول خدا(ص) بود. شامیان توان مقابله با این جایگاه را نداشتند از این رو به ناچار با شیعیان امیرالمؤمنین علی(ع) کجدار و مریز رفتار می کردند. تا آنکه دستگاه خلافت اموی با هدف کامل کردن حوزه نفوذ و قدرت خویش در صدد برآمد تا کار را یکسره کند. از این رو مروان حکم مأموریت یافت تا یکی از جاسوسان خود را وادار به خوراندن زهر به آن حضرت کند. با این اقدام سرنوشت مسلمانان تغییر یافت و در گردابی از بلا و مصیبت گرفتار آمدند و بدین سان حرمت قرار داد و تعهد نامه با زیر پاگذاشتن قرار صلح میان امام حسن(ع) و معاویه شکسته شد. آن حضرت نیز در ساعات آخر عمربه این نکته اشاره کرده و فرمود: «معاویه به آرزویش رسید، او نه به وعده‌هایش عمل کرد و نه در گفتار صادق بود». معاویه هم با شنیدن خبر شهادت امام حسن مجتبی(ع) تکبیر گفت و اهالی کاخ را وادار به گفتن تکبیر کرد.

جناده یکی از اصحاب امام حسن(ع) در آخرین ساعات حیات آن حضرت به دیدارش آمد و از حضرتش درخواست پند کرد. امام حسن مجتبی(ع) با وجود حال ناخوش فرمود: «جناده آماده سفر آخرت باش و قبل از مرگ توشه این راه را تهیه کن و بدان که در همان حال که تو در پی دنیا هستی مرگ نیز در جست و جوی توست. دغدغه روزی فردایی که هنوز نیامده به خود راه مده و بدان هرچه بیشتر از بهره خود، گردآوری برای دیگران فراهم می‌آوری و بدان که در حلال خدا حساب و در حرامش کیفر است. و در گردآوری‌های شبهه ناک آن باز خواست وجود خواهد داشت. از دارایی دنیا به اندازه نیازت بهره بگیر که اگرحلال باشد به میزان ضرورت از آن برداشته‌ای و قناعت کرده‌ای و اگر حرام باشد سنگینی گناهت کمتر خواهد بود.....اگر قصد انتخاب همنشینی داری با کسی دوستی کن که همراهی وی برایت افتخار باشد و همواره از تو نگاهبانی کند و اگر از او کمک خواستی یاورت باشد و رنجی از او به تو نرسد واز راه‌های گوناگون برتو نتازد و تو را به خواری و ذلت نکشاند ودر بهره‌مندی‌ها برخود مقدم بدارد.»

واقعاً لب‌های فرخی یزدی را دوختند یا شایعه بود

خندید و گفت مگر کرباس است

علیه فراموشی



صابر محمدی
خبرنگار

حالا درست ۱۱۲ سال از آن روز، آن روز عجیب می‌گذرد؛ نوروز ۱۲۸۵ و تنها چند ماه پس از صدور فرمان مشروطه بود که فرخی یزدی، شاعر آزادیخواه دوران به جای این‌که مثل بسیاری از شاعران همشهری‌اش به دارالحکومه یزد برود و برای حاکم شهر نوروزنامه‌ای مملو از غلو و مدح بخواند، در مجمع آزادیخواه‌ها و دموکرات‌های شهر حاضر شد و در مذمت حاکم قصیده‌ای خواند و همین کافی بود. در تاریخ‌ها آمده که ضیغم‌الدوله بختیاری که حاکم وقت یزد بود و در قلع و قمع مشروطه‌خواهان هم کارنامه سیاهی به دست داشت، دستور داد دهان فرخی یزدی را بدوزند. فکرش را بکنید اگر کسانی که این فرمان صادره حاکم به آنان ابلاغ شد هم مثل بسیاری از افسانه‌پردازان امروزی فکر می‌کردند، احتمالاً دهان شاعر را به‌واقع دوخته بودند؛ اما بخت عجالتاً با شاعر ناآرام یزدی همراه بود که عاملان اجرای حکم، از بین صناعات مختلف ادبی، دست کم کنایه را به‌خوبی فهم کرده بودند و می‌دانستند که حکم مبتنی بر این ارائه ادبی است و قرار است او را با به‌بندکشیدن ساکت کنند نه این‌که واقعاً سوزن نخ کرده از لب پایین فروبرده و چند ردیف از لب بالا بیرون بیاورند و سرآخر گره محکمی بزنند و دهان را به معنای واقعی کلمه بدوزند. شاید هنوز هم کسانی باشند که گمان می‌کنند این افسانه، واجد بهره‌های لازم از حقیقت است. البته که چندان هم تقصیرکار نیستند چون این افسانه‌سازی در این باره تا به آنجا بوده که سال‌ها پیش حتی کتابی با عنوان «فرخی؛ شاعری لب‌دوخته» نوشته و منتشر شده است. علاوه بر این، نقاشی‌ها و طراحی‌های بسیاری نیز از این صحنه خیالی پدید آمده است. با این حال، یک ارجاع به حرف‌های انور خامه‌ای، یکی از همبندهای فرخی یزدی، می‌تواند برای همیشه این افسانه را از درجه اعتبار ساقط کند. او در این باره گفته است: «داستان دوختن دهان او که بسیار شایع است و بعضی از تاریخ‌نویسان نیز آن را واقعیت پنداشته‌اند، صحت ندارد. من خود که این موضوع را شنیده بودم روزی در زندان از او پرسیدم: «آقای فرخی !لب‌های شما را چطور دوختند؟ راستی خیلی درد داشت؟!» با سادگی عادی خودش جواب داد: «مگر لب‌های من کرباس بود که بدوزند!!» بعد توضیح داد که حاکم یزد تهدید کرده بود که دهانش را خواهم دوخت و منظورش خفه‌کردن و خاموش‌ساختن فرخی بوده است». اما لب‌های برآمده فرخی این شایعه را قریب به یقین می‌کرد. خامه‌ای در این‌باره ادامه می‌دهد: «در حقیقت لب‌های فرخی به‌طور طبیعی قدری کلفت‌تر و برآمده‌تر از حد معمول بود و این امر نیز از سوی بسیاری، همچون دلیل صحت آن شایعه تلقی می‌شد». امروز که خامه‌ای در خانه‌اش در کرج، و در حالی که ۱۰۲ سالگی را سپری می‌کند، ۷۹ سال از مرگ دوستش را پشت سر گذاشته است؛ مرگی که تاریخ اتفاقاً مثل لب‌های نادوخته‌اش، نتوانست قطعیتی برایش ثبت کند؛ ادعانامه دادستان در محاکمه عمال شهربانی مدعی شد که یزدی در زندان و به وسیله آمپول هوای پزشکی به نام احمدی به قتل رسیده در حالی که رئیس وقت زندان، در نامه‌ای به اداره آگاهی مدعی شد آقای شاعر به مرض مالاریا و نفریت درگذشته است. مهم‌تر از این‌ها این است فرخی یزدی به شاعران زمانه خود آموخت، آزادی را از چه مسیرهایی می‌توان دنبال کرد و چه هزینه‌هایی باید برای رسیدن به آن پرداخت.

به بهانه رونمایی از یک شاهکار کلاسیک ادبیات

حدیقه سنایی؛ از مدرس رضوی تا امروز

حکمت

«ایران»: چهل ودومین نشست از مجموعه درسگفتارهایی درباره سنایی امروز چهارشنبه بیست‌وپنجم مهرماه، ساعت ۱۶:۳۰ به تحلیل و بررسی «جایگاه استاد محمدتقی مدرس‌رضوی در تصحیح و تفسیر آثار سنایی» اختصاص دارد و از تصحیح جدید حدیقه‌الحقیقه به همت محمدجعفر یاحقی و مهدی زرقانی در مرکز فرهنگی شهر کتاب رونمایی می‌شود. در این نشست محمد روشن، محمدجعفر یاحقی، مهدی محبتی و مهدی زرقانی حضور دارند.



علی‌اصغر محمدخانی
معاون فرهنگی شهر کتاب

نام بسیاری از شاعران و بزرگان ادب فارسی آنچنان با نام شارحان و مصححان آثارشان گره خورده است که گشودن این گره کاری دشوار و دیریاب است. حافظ و قزوینی، سعدی و فروغی، مولوی و فروزانفر، نظامی و وحید دستگردی، شمس و موحد، عطار و شفیعی‌کدکنی و... نام سنایی غزنوی با مرحوم محمدتقی مدرس‌رضوی پیوندی ناگسستنی دارد. هفتاد سال از تصحیح و انتشار حدیقه‌الحقیقه سنایی به همت مدرس‌رضوی می‌گذرد. چاپ اول این تصحیح در سال ۱۳۲۸ خورشیدی منتشر شد. مدرس‌رضوی که یک عمر با سنایی زیست و آثار او را در روزگار خود در کمال آراستگی و با علم و آگاهی کامل تصحیح کرد و به چاپ رسانید و بعضاً بر آنها شرح و تعلیق و توضیح نوشت، حق دارد که سنایی‌شناس همه دوران‌ها باشد و بزرگان با فضل و کمال و سنایی‌شناسان دوره‌های بعد، از او به بزرگی یاد کنند. حدیقه نخستین منظومه بزرگ تعلیمی صوفیه و دایرةالمعارفی منظوم در حکمت و عرفان است و در آن هر یک از اصول عرفانی با حکایت‌ها و تمثیل‌هایی همراه شده است. این اثر در اواخر عمر سنایی که او به غزنین بازگشت و پس از آنکه پیشنهاد بهرام‌شاه غزنوی را برای حضور در دربار نپذیرفت و به گوشه‌ای نشست، برای سپاسگزاری از او در ۵۲۴ قمری سرودن را به‌نام او آغاز کرد. در شمار ابیات و زمان نگارش این اثر اختلاف است و از این اثر دستنویس‌های فراوانی در دست است: قدیم و جدید، کامل و ناقص، گزیده و مفصل، با تاریخ و بی‌تاریخ، مستقل یا به همراه دیوان. پراکندگی جغرافیایی این دستنویس‌ها هم زیاد است: از کتابخانه‌های هند و پاکستان و آسیای مرکزی گرفته تا افغانستان و ایران و استانبول و اروپای غربی. خوشبختانه از این کتاب، نسخه‌های زیادی در کتابخانه‌های ایران به ترتیب اهمیت در شهرهای تهران، مشهد، قم و نزد افراد موجود است، اما نسخه‌های کهن‌تر و اصیل‌تر آن، بیشتر در گذشته به کتابخانه‌های استانبول و کشورهای اروپای غربی منتقل شده است. بر اساس پژوهش دوبروین، سنایی‌شناس معاصر هلندی، قدیمی‌ترین نسخه تاریخ‌دار از دیوان که شامل متن کامل حدیقه نیز هست مورخ شوال ۶۱۸ قمری است که در کتابخانه جان ریلندز منچستر به شماره ۸۴۳ نگهداری می‌شود. در هفته جاری تصحیح جدید حدیقه‌الحقیقه با مقدمه، تعلیقات و فهرست‌ها در دو جلد به همت دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر سیدمهدی زرقانی، استادان دانشگاه فردوسی مشهد انتشار یافته است. تصحیح نخستین حدیقه و آثار سنایی از خراسان آغاز شد و تصحیح جدید هم از سرزمین خراسان برخاسته است. در فاصله تصحیح مدرس‌رضوی تا تصحیح جدید در ایران، محققانی چون استاد محمد روشن و دکتر مریم حسینی نیز حدیقه‌الحقیقه سنایی را تصحیح و در دهه هشتاد خورشیدی نیز این دو تصحیح در ایران منتشر شده است. تصحیح یاحقی و زرقانی شامل ده‌هزار و هشتصد بیت است که بر اساس نسخه منچستر که کهن‌ترین نسخه متن تفصیلی حدیقه و از نسخه مبنای شادروان مدرس‌رضوی ۷۷ سال کهن‌تر است و با مقایسه با پنج نسخه کهن دیگر عرضه شده است. با مقدمه‌ای حدود صد صفحه که به آثار سنایی، سنایی و کانون قدرت، سویه‌های شعر سنایی، تعالیم سنایی در مسیر تحول شعر فارسی، حدیقه‌الحقیقه، جایگاه حدیقه در مسیر شعر فارسی، شهرت حدیقه، سنایی و دیگران، احمد غزالی، سنایی و زبان فارسی، ضرب‌الامثال سنایی، تعبیرات سنایی و نسخه‌های حدیقه اشاره شده است.



نمایی از مقبره سنایی غزنوی

نمایش عکس‌هایی از جنگ برای اولین بار

قاب

نمایشگاه «عکس‌های جنگ از آرشیو ارتش» با ارائه تصاویری که تاکنون دیده نشده‌اند، تصویری متفاوت از تیپ‌سازی‌های ناشی از فیلم‌های دفاع مقدسی نسبت به رزمندگان ایرانی و عراقی نشان می‌دهد. صیاد نبوی برگزارکننده نمایشگاه «عکس‌های جنگ از آرشیو ارتش» درباره این رویداد که ۱۹ مهر در نگارخانه آیه دانشگاه سوره افتتاح شد و تا امروز ادامه دارد به خبرنگار مهر می‌گوید: با وجود اینکه در سال‌های گذشته عکس‌های متنوعی از دفاع مقدس در قالب نمایشگاه‌ها، کتاب‌ها و آلبوم‌ها منتشر شده است اما همچنان عکس‌های نادیده از جنگ زیاد است. او با اشاره به اینکه بین عکس‌های به نمایش درآمده در دهه‌های گذشته کمتر مجال دیده شدن آرشیو ارتش وجود داشته است، به این موضوع اشاره می‌کند که برای رفع این خلأ با کمک کانون عکس دانشگاه سوره و ارتش عکس‌هایی از آرشیو خارج شد و این نمایشگاه مروری بر برخی از این عکس‌هاست. در انتخاب تصاویر، با وجود محدودیت‌های کمّی آرشیوی که از آن استفاده شده است، سعی کردیم نمایی کلی از اتفاق‌های جنگ به نمایش بگذاریم.

اعتراض کانون کارگردانان سینما به حوزه هنری

خبر آخر

کانون کارگردانان سینمای ایران تحریم فیلم‌های سینمایی توسط حوزه هنری را محکوم کرد. در پی تحریم فیلم سینمایی «عرق سرد» توسط حوزه هنری و عدم اختصاص سالن به این فیلم، کانون کارگردانان سینمای ایران با انتشار متنی رفتار حوزه هنری را محکوم کرد و خواستار احترام حوزه هنری به پروانه نمایش فیلم‌ها شد. در بخشی از این نامه آمده است: توقیف خودسرانه فیلم «عرق سرد» در سالن‌های تحت پوشش حوزه هنری بار دیگر نشان دهنده عدم تمکین این نهاد به قانون و بی‌احترامی به پروانه نمایش صادر شده از سوی سازمان سینمایی است. متأسفانه حوزه هنری این فیلم را از نمایش در سالن‌هایش در سراسر کشور محروم کرده است. کانون کارگردانان سینمای ایران بارها و بارها به شکل‌های مختلف بر این مسأله تأکید کرده که هیچ نهاد یا فرد دولتی و غیردولتی مجاز نیست که در مسیر نمایش عمومی فیلم‌هایی که مجوز رسمی و قانونی نمایش در کلیه سینماهای کشور را دارند، مانعی ایجاد کند و هرگونه رفتار غیرقانونی خودسرانه را شدیداً محکوم می‌کند و امیدوار است با اقدام ضروری و بموقع این نهاد از ضرر و زیان بیشتر این فیلم‌ها جلوگیری کند.